The Quarterly Journal of Political Studies of Islamic World
Vol.8 ,NO.32, Winter 2020: 23-46

An Analysis of Turkish Position towards Regional Developments (Case Study: ISIS)

Zahra Pishgahifard
Professor of Political Geography, Tehran University, Iran, sorour1334@yahoo.com
Gholamali Mostafavi[*]
M.A. in Political Geography, Tehran University, Iran, (Corresponding Author)
gha.mostafavi@gmail.com
Yashar Zaki
Assistant Professor of Political Geography, Tehran University, Iran, yzaki@ut.ac.ir

Abstract

Objective: The latest developments in the Middle East are considered to be the most extensive and profound developments in the political structure of the countries in the region which started at the wake of popular protests in Tunisia and led their way to Syria. Assuming that the rule of Bashar al-Assad would fall down, Turkey as a regional power and Syria's neighbor attempted to support the opposition against Syria. After the emergence of ISIS, Turkey adopted a policy of disdain and inaction towards ISIS's activities within Turkey and against Assad. This policy of Turkey towards ISIS caused the formation of a viewpoint, in national and international scale, that Turkey tends to support ISIS. Therefore, the main purpose of the research is to explain Turkey's positions towards the Syrian opposition, especially ISIS.

Method: The method used in this study is descriptive - analytical based on the theory of realism; It examines the different dimensions and angles of Turkey's policies and positions towards Syrian opposition, in particular ISIS.

Results: According to the findings of this study, Turkey, seeking to achieve its goals in this crisis and security concerns stemming from the formation of the Kurdish Corridor, adopted a collaborative approach and supported some of the group's actions.

Conclusion: The results show that, Turkey, in order to revive the hegemony of the Ottoman era, outlined its foreign policy with a view to the East, especially the Middle East - unlike their ancestors whose main goal was the West - Meanwhile, developments in the Middle East, especially the Syrian crisis, have provided Turkey with an opportunity to implement this strategy.

Keyword: Foreign Policy; Middle East Developments; Syria; ISIS and Turkey

[*] Received on 2015/October /20 Accepted on 2020 /January /19
DOI**:** 10.30479/psiw.2020.4488.1481

فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام
سال هشتم، شماره ۴، پیاپی ۳۲، زمستان ۱۳۹۸ صفحه: ۲۳-۴۶

تحلیل مواضع ترکیه در قبال تحولات منطقه (مورد مطالعه: داعش)

زهرا پیشگاهی‌فرد
استاد جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، sorour1334@yahoo.com
غلامعلی مصطفوی*
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران،(نویسنده مسئول)gha.mostafavi@gmail.com
یاشار ذکی
استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکدۀ جغرافیا، دانشگاه تهران، yzaki@ut.ac.ir

چکیده

هدف: تحولات اخیر منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا از پردامنه‌ترین تحولات در نظام سیاسی این کشورها به شمار می‌آید که با اعتراض‌های مردمی از تونس آغاز شد و در نهایت به سوریه رسید. ترکیه به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای و همسایه سوریه، با این تصور که حکومت بشار اسد سقوط خواهد کرد، به حمایت از اپوزیسیون سوری پرداخت. پس از ظهور داعش، ترکیه در مقابل اقدامات این گروه هم در داخل ترکیه و هم علیه بشار اسد، سیاست انفعال و اغماض را در پیش گرفت. این سیاست ترکیه در قبال داعش باعث شکل‌گیری دیدگاهی در سطح منطقه و بین‌الملل شد که ترکیه از داعش حمایت می‌کند. بنابراین، هدف اصلی پژوهش تبیین مواضع ترکیه در قبال مخالفان سوریه به‌ویژه داعش است.

روش: پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی توصیفی ـ تحلیلی بوده و براساس نظریه واقع‌گرایی ابعاد و زوایای مختلف سیاست‌ها و مواضع ترکیه در قبال معارضین سوریه به‌ویژه داعش را مورد بررسی قرار می‌دهد.

یافته‌ها: براساس یافته‌های این پژوهش، ترکیه برای رسیدن به اهداف خود در این بحران و نگرانی‌های امنیتی حاصل از شکل‌گیری کریدور کردی، رویکرد تساهل و تسامح، همکاری، همراهی و پشتیبانی از برخی اقدامات داعش را در پیش گرفت.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد، ترکیه برای احیای هژمونی دوران عثمانی، سیاست خارجی خود را با نگاه به شرق به‌ویژه خاورمیانه ـ برخلاف اجداد خود که عمده هدف آنها غرب بود ـ ترسیم کرده است. در این میان تحولات خاورمیانه به‌خصوص بحران سوریه این فرصت را در اختیار ترکیه قرار داد تا بتواند به این راهبرد جامه عمل بپوشاند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، تحولات خاورمیانه، سوریه، داعش، ترکیه.

* تاریخ دریافت:۱۳۹۴/۷/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی:۱۳۹۸/۱۰/۲۹

۱- مقدمه

سیاست خارجی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه دچار تحولات اساسی و بنیادین شد. در این دوران برخلاف رویکرد گذشته، نقش‌آفرینی و بازیگری در منطقه غرب و جنوب غرب آسیا اساس سیاست خارجی ترکیه را شکل می‌دهد. یکی از نمونه‌های تحول در سیاست خارجی این حزب «نوعثمانیسم» و بازگشت به هویت عثمانی است که در تحولات کشورهای عربی جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا نمود یافته است. بنا به اعتقاد اکثر تحلیل‌گران، ترکیه اعتراضات به‌وجود آمده در خاورمیانه عربی و همچنین تنش‌های سیاسی در سوریه را فرصت مناسبی برای تحقق اهداف کلان خود، برای تبدیل شدن به بازیگری مهم و اثرگذار در معادلات منطقه قلمداد می‌کند. موضع‌گیری ترکیه در این کشورها با توجه به منافع خود و در نظر گرفتن منافع آمریکا و اروپا بوده است. مواضع ترکیه در قبال حوادث سوریه نسبت به تحولات سایر کشورها متفاوت بود. ترکیه به این دلیل که حکومت بشار اسد در کوتاه‌مدت سقوط خواهد کرد، به مخالف سرسخت وی تبدیل شده و خواهان برکناری او شد. در این راستا اقدامات مختلفی از جمله حمایت از مخالفان دولت بشار اسد را در دستور کار خود قرار داد.

در پی نفوذ داعش در مناطقی از عراق و سوریه، سیاست‌مداران ترکیه در راستای حمایت از مخالفان دولت سوریه، سعی در بهره‌برداری از این گروه نمودند که منجر به تصور شکل‌گیری نوعی همکاری بین دولت ترکیه و داعش در سطح داخلی و بین‌المللی گردید. اگرچه مسئولین ترکیه هر نوع همکاری و ارتباط با گروه داعش را انکار می‌کنند، اما حضور آشکار عناصر داعش در جامعه ترکیه مانند ایجاد پایگاه‌های جمع‌آوری کمک‌های مردمی، مداوای مجروحین در بیمارستان‌های دولتی، تشکیل مراکز جذب نیرو، ترانزیت عناصر داعش از مسیر ترکیه به سوریه و ... از جمله مواردی است که جامعه ترکیه شاهد آن بوده و در اظهارات برخی شخصیت‌های سیاسی ترکیه و رسانه‌های مخالف دولت منعکس شده است. همچنین واکنش جدی نشان ندادن ترکیه به اقدامات این گروه در مسئله کوبانی و شرکت نکردن در ائتلاف ضد داعش، این موضوع را که ترکیه روابط حسنه‌ای با داعش دارد، تقویت کرد.

یکی از دیدگاه‌های جالب درخصوص مناسبات داعش و ترکیه، اصطلاح «مادر جایگزین» است که متین گورجان، تحلیل‌گر ترکیه‌ای، آن را مطرح کرده است؛ به این معنا که داعش در مرزهای کوهستانی و صعب‌العبور ترکیه و سوریه که دولت توجه چندانی به آنها ندارد، توانسته است تشکیلات و عناصر وابسته به خود را در شهرهای مرزی و مجاور سوریه ایجاد کند. از جمله این مناطق می‌توان به شهر کوهستانی هاتای اشاره کرد. با وجود برخی اختلاف‌ها و درگیری‌ها میان داعش و نیروهای نظامی ترکیه، داعش سعی کرده است تا این مادر جایگزین را نیازارد؛ چرا که برای تأمین سرمایه و جذب نیروی انسانی و اقدامات پشتیبانی به فضایی مطلوب در ترکیه نیازمند است.(Gürcan, 2016) درباره اقدامات ترکیه در قبال داعش، ارزیابی‌ها و نظرات مختلفی

ارائه شده است. برخی تحلیل‌گران دلیل آن را ارزیابی‌های اشتباه اردوغان و دست کم گرفتن خطر داعش عنوان کرده‌اند. برخی دیگر دلیل آن را ایدئولوژی اخوانی اردوغان و خصومت با ایران و سوریه عنوان کرده‌اند که باعث نزدیکی و قرابت ترکیه و داعش شده است. در این میان، برخی دیگر این همراهی و همکاری را به دلیل خصومت مذهبی و فرقه‌ای، یعنی اختلاف شیعه و سنی مطرح می‌کنند که این مسئله مشروعیتی برای کمک به داعش به‌وجود آورده است.

با بررسی مواضع ترکیه درخصوص مخالفان دولت سوریه به‌ویژه داعش، این پرسش مطرح می‌شود که اهداف اساسی ترکیه در اتخاذ سیاست همراهی و همکاری با داعش و موضع نرم آن نسبت به اقدامات این گروه چیست؟

۱-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی توصیفی- تحلیلی بوده و با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، نحوه گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، استفاده از فصلنامه‌ها، مجلات مرتبط و جستجو در شبکه اینترنت صورت گرفته است.

۲- چارچوب نظری

واقع‌گرایی که گاه به صورت مکتب سیاست قدرت از آن یاد می‌شود، از جمله رویکردهایی است که برای مدت طولانی به عنوان پارادایم حاکم در مطالعه سیاست بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. جاذبه تقریباً بی‌بدیل نزدیکی آن با عملکرد سیاست‌مداران در عرصه بین‌الملل همخوانی دارد. (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۷۳) رویکرد واقع‌گرایی رویکردی تجربی و عمل‌گرا است که بر به کارگیری مؤثر و عاقلانه قدرت، توسط کشورها با هدف تأمین منافع ملی تأکید دارد. از منظر واقع‌گرایی، مطالعه روابط بین‌الملل، درواقع مطالعه روابط میان دولت‌هاست. مهم‌ترین هدف دولت‌ها در این نظریه، افزایش قدرت خویش و تأمین منافع ملی خود است. (حاجی یوسفی، ۱۳۷۸: ۱۱۶)

هانس جی مورگنتا، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرا، مفهوم منافع ملی را واقعیتی عینی و مهم برای شناخت فکر و اقدام سیاست‌مداران قلمداد نموده و معتقد است که منافع ملی، معیاری همیشگی است که با آن باید اقدام سیاسی را ارزیابی نمود و آماج‌های سیاست خارجی نیز بایستی بر این مبنا تعریف شوند. در موضوع امنیت ملی، واقع‌گرایان معتقدند چنانچه دولتی نتواند امنیت خود را حفظ کند، قادر به انجام هیچ کاری نخواهد بود. در این شرایط نیروی نظامی کارآمد برای حمایت از دیپلماسی، سیاست خارجی و تامین امنیت ضروری است. بر این اساس، از آنجا که نمی‌توان از طریق سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بین‌الملل صلح را برقرار نمود، بنابراین باید از تمهیداتی چون موازنه قدرت و بازدارندگی بهره جست. (رنجبر مهدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸)

کالین المن در کتاب نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم می‌گوید: شگفت نیست که صحنه بین‌الملل پس از حادثه یازدهم سپتامبر به مراتب چالش‌برانگیزتر به نظر می‌رسد و همه می‌دانند که واقع‌گرایی سیاسی، برای برخورد با تهدیدات مطرح برای امنیت ملی، مناسب‌تر شناخته می‌شود. از نگاه او نوزایی واقع‌گرایی تا حدی مرهون شبکه‌های تروریستی فراملی است که از آبشخور افراط‌گرایی سیراب می‌شوند. برای واقع‌گرایان توصیف ویژگی نظام بین‌الملل براساس آنارشی است و مهم‌ترین واقعیت تجربی قدرت ملی در نظر گرفته می‌شود. در نظام آنارشیک بین‌الملل، دولت‌ها می‌توانند به دیگر دولت‌ها آسیب بزنند یا حتی آنها را نابود کنند. (محمدزاده ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۸)

از منظر واقع‌گرایی دولت‌ها به هیچ اقتدار عالیه‌ای پاسخگو نیستند؛ بنابراین باید خود به دنبال تامین منافع خویش و حفظ خود باشند. به عبارتی منافع ملی براساس قدرت تعریف می‌شود، زیرا اگر دولت‌ها توان کافی نداشته باشند، برای تأمین منافع خود با مشکلات جدی مواجه خواهند شد. نظریه واقع‌گرایی به دلیل تاکید بر مسائل عینی، یکی از نظریه‌های مناسب برای تحلیل رویکرد سیاست خارجی دولت‌ها و واکنش آنها نسبت به تحولات پیرامون‌شان است، به‌خصوص که این نظریه برای حفظ منافع ملی دولت‌ها در مناسبات‌شان با یکدیگر اهمیت فراوانی قائل است (رنجبر مهدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸). بر این اساس رویکرد ترکیه نسبت به اقدامات داعش از دیدگاه رئالیسم قابل تحلیل و بررسی است. ترکیه در طول حیات داعش رفتار متفاوتی را نسبت به آن در پیش گرفت. مقامات ترکیه ضمن اینکه مخالف هر نوع اقدام نظامی علیه داعش بودند، نسبت به اقدامات این گروه در داخل خاک خود هم بی‌تفاوت بودند. حتی همکاری ترکیه با ائتلاف ضد داعش با فشار افکار عمومی و تظاهر به مبارزه بوده است. در دیدگاه رهبران ترکیه، اقدامات این کشور در قبال داعش در راستای منافع ملی و امنیت کشورشان بوده است، تا بتواند با استفاده از آن نسبت به افزایش قدرت منطقه‌ای و تامین منافع ملی خود اقدام کند.

۳- سیاست خارجی ترکیه

۳-۱. قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه

سیاست خارجی ترکیه تا حد زیادی تحت تأثیر جغرافیا و موقعیت استراتژیک آن است؛ علاوه بر جغرافیا، تاریخ و اقتصاد از دیگر مؤلفه‌های اثرگذار بر سیاست خارجی ترکیه محسوب می‌شود. پس از تأسیس جمهوریت در سال۱۹۲۳ تفکر غرب‌گرایی (کمالیسم)، اصول سیاست خارجی این کشور را شکل می‌داد. (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹۱) گرایش به اروپایی و غربی‌شدن، یکی از ستون‌های اصلی تفکر کمالیسم بوده و تزلزل آن به معنی تزلزل این رژیم است. ازاین‌رو، دولت‌هایی که پی‌درپی زمام امور را در ترکیه به دست می‌گرفتند، همواره بر این تفکر تأکید می‌کردند.(نورالدین، ۱۳۸۲: ۴۵)

تأثیرگذاری اصول کمالیسم به گونه‌ای بود که تحت تاثیر آن، رهبران ترکیه جامعه این کشور را از هویت واقعی خود جدا کرده و به دنبال احیای هویت جدید در همه ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی برآمدند. (اخباری، ۱۳۸۳: ۲۲۱). جامعه جدید دارای دو ویژگی عمده بود: ویژگی اول ترکیه را از خاورمیانه و تحولات آن دور می‌کرد و ویژگی دوم، سیاست خارجی ترکیه را به سمت غرب پیش می‌برد. (کاکایی، ۱۳۸۴) علاوه بر این، سیاست خارجی این کشور در خصوص تحولات خاورمیانه از روند تکاملی در اصول و روابط برخوردار بوده است. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، ۱۳۸۸: ۲۱۱)

۳-۲. پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه

با پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲ و به تبع آن تشکیل حکومتی با حضور اسلام‌گراها، تاکید بر هویت اسلامی و پیشینه عثمانی اساس سیاست خارجی ترکیه را شکل داد. در این دوره حاکمان ترکیه ضمن حفظ و گسترش روابط با اتحادیه اروپا و امریکا تلاش کردند تا نقش مؤثر و گسترده‌ای در مناطق پیرامونی خود از جمله روسیه، آفریقا، آمریکای لاتین، خاورمیانه و جهان اسلام داشته باشند. (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۸)

سیاست خارجی ترکیه در این دوران تا حد زیادی تحت تأثیر احمد داوودواوغلو، نخست-وزیر وقت، بوده است. نظریه سیاست خارجی داوودواوغلو براساس دو گفتمان «عمق استراتژیک» و «تنش صفر با همسایگان» پایه‌گذاری شده بود. به اعتقاد وی ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی ویژه خود، دارای عمق استراتژیک است. بنابراین باید در زمره کشورهای منحصربه‌فرد قرار گرفته و نقش رهبری خود را بر مناطق پیرامون اعمال کند تا اهمیت استراتژیک در سطح جهانی کسب کند. وی در دکترین «تنش صفر با همسایگان» چنین می¬گوید که ترکیه در راستای رسیدن به رهبری منطقه و کسب اهمیت استراتژیک جهانی، باید مشکلات و اختلاف¬های موجود با همسایگان را رفع کند. (حسینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۶-۷۳) سیاست ترکیه در این رویکرد، بیشترین میزان تعامل، همکاری و همگرایی با همسایگان است .

راهبرد ترکیه برای سال ۲۰۲۳ صدمین سال تأسیس جمهوریت این است که در خرده‌سیستم‌های منطقه‌ای به عنوان مرکز و در نظام بین‌الملل به عنوان بازیگر شناخته شود؛ البته آنها خرده‌سیستم‌ها را علاوه بر خاورمیانه، به مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، بالکان و شمال آفریقا نیز تفسیر می‌کنند. بر این اساس، بسیاری از تحلیل‌گران مسائل ترکیه، سیاست حکومت اردوغان را «نوعثمانی‌گرایی» عنوان کرده و تأکید دارند که سیاست خارجی دولت وی همگرایی بیشتری با سیاست‌های دوران عثمانی دارد.

با تغییر سیاست خارجی ترکیه و اتخاذ رویکرد جدید، ساموئل هانتینگتون، نظریه‌پرداز امریکایی، در کتاب «برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی» از ترکیه به عنوان بزرگترین و موثرترین

کشور اسلامی نام برده که توانایی رهبری و مدیریت جهان اسلام را دارد. (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۲)

با نگاه به سیاست خارجی ترکیه قبل از سال ۲۰۱۱ مشخص می‌شود که سیاست‌های احمد داوداوغلو در بیشتر موارد اجرایی شده است. تلاش برای ایفای نقش میانجی در تنش‌های منطقه‌ای از جمله میانجی‌گری در پرونده هسته‌ای ایران، تلاش برای گفت‌وگوی اسرائیل با حماس، میانجی‌گری در گفتگوهای صلح بین اسرائیل و سوریه، تلاش برای از بین بردن اختلافات با همسایگانی از جمله ارمنستان و یونان، ترمیم و بهبود روابط با سوریه و سایر کشورهای عربی، همه نمونه‌هایی از سیاست عمق استراتژیک داوداوغلو است.

۴- مواضع ترکیه در قبال تحولات سیاسی اخیر جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا

ترکیه پس از مدت‌ها غفلت و دوری از منطقه به عنوان بازیگر فعال وارد تحولات خاورمیانه شد. بر این اساس ترکیه رویکرد فعالانه‌تری را نسبت به بحران فلسطین و رژیم صهیونیستی در پیش گرفت. در راستای اهداف و ماموریت‌های ناتو نیروهای خود را به افغانستان اعزام کرد، به عنوان نیروهای حافظ صلح سازمان ملل وارد لبنان شد، فعالیت خود را در سازمان کنفرانس اسلامی گسترش داد، در نشست‌های مختلف جهان عرب شرکت کرد، روابط خود را با ایران، سوریه و عراق نزدیک‌تر کرده و روابط اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک خود را با کشورهای عربی و مسلمان منطقه بهبود بخشید. (امیری، ۱۳۹۰: ۳) عملکرد دولت اردوغان طی سنوات گذشته و همکاری بیشتر با جهان اسلام، منجر به افزایش جایگاه آن در میان کشورهای اسلامی منطقه شد. علاوه بر این، دولت‌های اروپایی هم از گسترش الگوی ترکیه «اسلام میانه‌رو» در برابر بنیادگرایی اسلامی، رژیم‌های دیکتاتور و متحجر عربی استقبال کردند که این امر شرایط لازم را برای نقش‌آفرینی مؤثر ترکیه در منطقه مهیا می‌کرد.

جهان عرب در سال ۲۰۱۱ با اعتراضات مردمی و تغییرات مهم مواجه شد. این تحولات که بسیاری از کشورهای عربی را در بر گرفت، موجب بی‌ثباتی و تغییرات مهم در جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا شد. تحولات فوق، زمینه حضور و نقش‌آفرینی بازیگران مختلف را فراهم ساخت. ترکیه از جمله بازیگران منطقه‌ای که تلاش می‌کرد تا حضور پررنگی در این تحولات داشته باشد، تحولات خاورمیانه عربی را فرصتی مناسب برای تحکیم قدرت خود در خاورمیانه می‌دید. همچنین ترکیه در پی آن بود تا الگوی جدید خود را به ملت‌های انقلابی منطقه ارائه کرده و در دولت‌های آینده اثرگذاری حداکثری داشته باشد. بنابراین موضع‌گیری ترکیه تحت تاثیر شرایط منطقه و براساس اصول و منافع خود بوده است. در این راستا در موقعیت‌های مختلف و در شرایط متفاوت، جهت‌گیری‌های گوناگونی را در پیش گرفته است که در ادامه برخی از مصادیق این اقدامات ارائه شده است:

۴-۱. تونس

تونس اولین کشور شمال آفریقا بود که خیزش‌های مردمی(۱۴ژانویه۲۰۱۱) در آن اتفاق افتاد. ترکیه در قبال تحولات تونس موضع‌گیری سریعی نداشت و تنها نقش نظاره‌گر را ایفا کرد. این موضع ترکیه را می‌توان ناشی از سرعت تحولات در تونس دانست که امکان بازیگری ترکیه را در این مدت محدود از بین می‌برد. علاوه بر این، ارزش تحولات تونس پس از مدت‌ها از وقوع آن مشخص شد و در این زمان دیگر ملت‌های منطقه با الگوگیری از انقلاب تونس راهپیمایی کرده و علیه حکومت‌های مستبد خود شوریدند.

۴-۲. مصر

واکنش ترکیه نسبت به بحران مصر (۲۵ژانویه۲۰۱۱) قاطع‌تر بود. این کشور علاوه بر حمایت از معترضین، موضع شدیدتری را نسبت به اقدامات دولت مبارک در پیش گرفت. ترکیه در طول قیام مردم مصر، به دلایلی، از معترضان مصری حمایت کرد. از جمله می‌توان به حجم کم روابط اقتصادی دو کشور، عدم سرمایه‌گذاری گسترده ترکیه در مصر و نزدیکی دیدگاه‌های سیاست-مداران حزب عدالت و توسعه و اخوان‌المسلمین مصر اشاره کرد. ترکیه بر این باور بود که در صورت به قدرت رسیدن اخوان‌المسلمین در مصر، می‌تواند منافع خود را از بعد سیاسی و اقتصادی در مصر تضمین کرده و هژمونی خود را در منطقه تثبیت کند. (ببری، ۱۳۹۳: ۱۵)

۴-۳. لیبی

سیاست ترکیه در تحولات لیبی (۱۳ژانویه۲۰۱۱) بی‌طرفی و عدم حمایت از طرف‌های درگیر بود. ترکیه در ابتدا رویکرد میانجی‌گری را بین معترضین و دولت قذافی در پیش گرفت. چرا که لیبی یکی از شرکای مهم تجاری ترکیه محسوب می‌شد و در حدود ۲۰۰ شرکت ترک تا قبل از آغاز درگیری‌های لیبی در این کشور فعالیت داشتند. اقدامات سرکوبگرایانه رژیم حاکم در لیبی علیه معترضین، منجر به افزایش حجم انتقادات از رویکرد دولت حاکم ترکیه در قبال این کشور شد. در نتیجه ترکیه علاوه بر پشتیبانی از عملکرد ناتو در لیبی، خواستار خروج قذافی از قدرت شد. ترکیه همچنین رهبر گروه مخالفان لیبی را به حضور پذیرفت.

۴-۴. بحرین

برخی از تحلیل‌گران بر این باورند که دیدگاه‌های ترکیه در قبال بحران بحرین براساس بلندپروازی‌های تجاری‌اش در منطقه خلیج‌فارس شکل می‌گیرد. حجم تجارت میان ترکیه و بحرین از ۱۵۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۹ به ۲۴۴میلیون دلار در ۲۰۱۰ افزایش پیدا کرد. به نظر می‌رسد، باور سیاست‌گذاران ترکیه این بود که بافت اجتماعی این کشور و شکاف مذهبی و فرقه‌ای موجود در آنجا، گذار سیاسی آسان را غیرممکن می‌سازد. همچنین به باور آنها حکومت بحرین نیرومندتر از آن است که نتواند از کشمکش اخیر جان سالم به در ببرد. علاوه بر این، سایر اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس به‌ویژه عربستان سعودی حتی حاضر شدند هزینه‌های

بین‌المللی مداخله نظامی در بحرین را بپردازند. بنابراین ترکیه از هر گونه انتقاد تندی که می‌تواند به زیان این کشور تمام شود، خودداری کرد. (حافظیان، ۱۳۹۰)

۵– سوریه

۵–۱. روابط ترکیه و سوریه

۵–۱–۱. قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه

پس از قرن‌ها ارتباط مداوم و نزدیک میان ترکیه عثمانی و بلاد شام، یک دیوار بلند جدایی میان دو کشور ترکیه جدید به رهبری آتاتورک و سوریه جدید که بخش جداشده‌ای از سوریه بزرگ به دست استعمار فرانسه بود، کشیده شد؛ به طوری که از زمان تشکیل جمهوری ترکیه همواره سایه سرد اختلاف بر روابط دوجانبه حاکم بوده است. در اینجا به سه اختلاف اصلی عمده بین دو کشور اشاره می‌کنیم:

الف– اختلاف ارضی بر سر استان «هاتای» یا «اسکندرون»: اولین اختلاف و تنش ترکیه و سوریه ادعای حاکمیت سوریه نسبت به استان مرزی هاتای یا اسکندرون است که این مسئله به شدت روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است. سوریه ادعا می‌کند مالکیت استان هاتای در زمان حاکمیت فرانسوی‌ها به این کشور واگذار شده است. ترکیه ضمن رد چنین ادعایی، مباحث فوق را زیاده‌خواهی ارضی سوری‌ها عنوان می‌کند.

ب–مسئله آب: دومین اختلاف به مسئله آب و نحوه استفاده از آب‌های مشترک که از ارتفاعات ترکیه سرچشمه می‌گیرد، برمی‌گردد. ترکیه با رد هرگونه توافقی در مورد اشتراک آب دجله و فرات، مدعی است به قسمت‌هایی از این رودخانه‌ها که در داخل این کشور جریان دارد، حاکم است. اما سوریه شکل‌گیری سازمانی درخصوص حل مشکلات فوق و ایجاد نظام سهمیه‌بندی آب را ضروری می‌داند. تنش بر سر آب دو کشور زمانی بالا گرفت که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ترکیه، پروژه عظیم و بزرگ آبی خود را تحت عنوان «گاپ» (پروژة آناتولی جنوب شرقی) آغاز کرد. (واعظی، ۱۳۸۷)

ج– مسئله کردها: سوریه به دلیل تنش‌ها و اختلافات موجود با ترکیه و تداوم روابط سرد با این کشور طی چند دهه گذشته، از برخی جریان‌های سیاسی مخالف ترکیه، در رأس آن «پ.ک.ک» (حزب کارگران کردستان) حمایت نموده است.

سوریه در برهه‌های زمانی مختلف ازمسئله کردی به عنوان اهرم فشاری علیه ترکیه استفاده می کرد. از مهم‌ترین چالش‌ها در روابط دو کشور درخصوص مسئله کردها به سال ۱۹۸۹ برمی‌گردد. این بحران با خروج برخی عناصر پ.ک.ک و رهبر آن اوجالان از سوریه پایان یافت. (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۱ : ۹۳)

۵-۱-۲. بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه

دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه نقطه عطفی در روابط ترکیه و سوریه به شمار می‌آید؛ به طوری که دو کشور با عبور از شرایط بحرانی دهه نود، روابط خود را تا سطح شراکت استراتژیک افزایش دادند. مهم‌ترین رویدادی که باعث بهبود روابط بین دو کشور شد دیدار رسمی بشار اسد از ترکیه در سال ۲۰۰۴ بود. از زمان استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ برای اولین‌بار رئیس‌جمهور سوریه به ترکیه سفر کرد و متقابلاً رجب طیب اردوغان، نخست وزیر وقت، در همان مقطع به سوریه سفر می‌کند. (اطهری و تقی‌پور، ۱۳۹۰) حجم مبادلات بازرگانی دو کشور رشد چشمگیری داشت و در سال ۲۰۱۰ به مبلغ ۲,۵ میلیارد دلار رسید. (Alpaslan, 2012: 3) همزمان با شروع تحولات جهان عرب، شورش‌ها و اعتراضات سوریه در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ به وقوع پیوست. از همان آغاز شروع اعتراضات، ترکیه سعی داشت به نوعی نقش میانجی‌گرایانه ایفا کرده و با احتیاط کامل نظام سوریه را به اجرای اصلاحات تشویق کند. با تداوم اعتراضات در سوریه، ترکیه با تغییر سیاست میانجی‌گرایانه خود، خواستار انجام اصلاحات و توجه به نیازهای معترضان از سوی حکومت سوریه شد. (Schenker, 2011) با گسترش بحران در سوریه، ترکیه به مخالف سرسخت بشار اسد تبدیل شد و سوریه را به مداخله نظامی تهدید کرد و خواستار احداث منطقه حائل در مناطق مرزی خویش با سوریه شد. ترکیه همچنین سوریه را تهدید به بهره‌گیری از ماده ۵ اساسنامه ناتو کرد که در مرز دو کشور سامانه دفاع موشکی «پاتریوت» مستقر کند. (یزدان‌پناه، ۱۳۹۲)

ترکیه در زمینه حمایت سیاسی از مخالفان، روابط خود را با گروه‌های معارض سوریه از جمله اخوان‌المسلمین سوریه و جبهه النصره عمیق‌تر کرد. رهبران حزب عدالت و توسعه برای تحت فشار قرار دادن سوریه، اقدام به تشکیل ائتلاف معارضان سوریه کردند و در این راستا نشست‌های متعددی در شهرهای مختلف سوریه برگزار کردند. از جمله می‌توان به نشست ۱۷ جولای ۲۰۱۱ آوریل ۲۰۱۲ ۷ آگوست ۲۰۱۴ اشاره کرد. ترکیه در نشست‌هایی با دیگر کشورها تحت عنوان «دوستان سوریه» در تونس، مغرب، رم، توکیو، پاریس و لندن نیز نقش فعالی به منظور فشار هر چه بیشتر بر دولت بشار اسد و تقویت موضع مخالفان وی ایفا کرد. پس از تصویب لایحه عملیات ارتش در خارج از مرزهای کشور در پارلمان ترکیه مورخ اکتبر ۲۰۱۲ ترکیه علناً اقدام به سازماندهی نیروهای نظامی مخالف اسد کرد و علاوه بر اینکه نقش یک کریدور یا دالان و یا یک لنگرگاه واسط برای انتقال گروه‌های مسلح تکفیری و تندرورا از نقاط مختلف دنیا مثل آمریکا، اروپا، شمال آفریقا، خاورمیانه و اوراسیا به سوریه ایفا کرد، در بعضی از مواقع با درگیر شدن مستقیم با ارتش سوریه، ورود مخالفان اسد را به خاک این کشور تسهیل می‌کرد. همچنین در این زمان، ترکیه با کمک تسلیحاتی به مخالفان مسلح دولت بشار اسد، سعی در تقویت هرچه بیشتر آنها کرد که برای اثبات این موضوع می‌توان به مقاله‌ای در یک روزنامه لبنانی اشاره کرد

که ترکیه با مجهز کردن مخالفان سوریه به موشک‌های ضدهوایی «سینگ» قصد دارد، تا عملاً از پرواز هواپیماهای جنگی سوریه جلوگیری به عمل آورد. (دانش‌نیا و هاشمی،۱۳۹۴: ۶۲-۵۷)

ترکیه در این دوره برای حمایت بیشتر از مخالفان دولت سوریه تلاش زیادی برای ایجاد منطقة پرواز ممنوع به منظور دستیابی به منطقه جغرافیایی مستقل در ناحیه شمالی نزدیک به شهر حلب سوریه و ترکیه از خود نشان داد تا بتواند از آن به عنوان پایگاهی امن برای سازمان‌دهی مخالفان اسد استفاده کند. (آزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۴)

پس از انتشار گزارش‌هایی مبنی بر استفاده دولت سوریه از سلاح‌های شیمیایی علیه مخالفان، مقامات ترکیه فرصت را مغتنم شمرده و خواستار دخالت نظامی کشورهای غربی در سوریه شدند. در آن زمان بسیاری از تحلیل‌گران عنوان کردند که ترکیه در استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه دست دارد، به‌طوری‌که این کشور در انتقال گاز سارین از خاک خود به سوریه توسط گروه‌های مسلح مخالف دولت بشار اسد نقش داشته است. رهبران ترکیه پس از ناامیدی از حمله آمریکا به سوریه، خود در مقطعی به فکر حمله به سوریه افتادند. در سال ۲۰۱۴ فایل صوتی احمد داوودواوغلو، وزیر امور خارجه وقت ترکیه، و هاکان فیدان، رئیس سازمان امنیت ترکیه، منتشر شد که در آن فیدان به داوودواوغلو می‌گوید: «اگر تصمیم به داشتن بهانه‌ای برای ورود به خاک سوریه دارید من می‌توانم بهانة لازم را آماده کنم. چهار نفر به سوریه می‌فرستم و آنان ۸ موشک به خاک ترکیه شلیک می‌کنند. از این قبیل کارها می‌توان انجام داد ولی مهم این است که تصمیم گرفته شود». (دانش‌نیا و هاشمی، ۱۳۹۴: ۶۲-۵۷)

از زمان شروع بحران در سوریه حدود ۳۰ گروه مسلح از ۲۸ کشور مختلف جهان با هدف سرنگونی دولت سوریه وارد این کشور شده‌اند. از مهم‌ترین آنها می‌توان به شورای ملی سوریه که در نشست سپتامبر ۲۰۱۱ استانبول به رسمیت شناخته شد، شورای هماهنگی ملی، اخوان‌المسلمین، ارتش آزاد و داعش اشاره کرد. در ابتدا بیشترین حمایت‌های کشورهای غربی از جمله فرانسه و انگلیس، آمریکا، قطر، عربستان و حتی ترکیه در راستای سرنگونی بشار اسد از ارتش آزاد سوریه صورت می‌گرفت، اما به دلیل اینکه ارتش آزاد، توان تحقق خواسته‌ها و اهداف کشورهای غربی و رژیم‌های عربی را در سوریه نداشت و نظام سوریه همچنان پابرجا ماند، این کشورها از توانایی معارضان سوری برای براندازی نظام در سوریه ناامید شدند. با قدرتمندتر شدن داعش، یکی دیگر از گروه‌های معارض در سوریه، توجهات و حمایت‌های مخالفین دولت بشار اسد به سمت این گروه متمایل شد.

۶- داعش و نحوه شکل‌گیری آن

جریان موسوم به دولت اسلامی عراق و شام، گروه مسلحانه تروریستی و دارای تفکر و منش سلفی جهادی است. هدف نهایی این جریان شکل‌دهی خلافت اسلامی و تحقق شریعت در کشورهای عراق و سوریه است. (کریمی، ۱۳۹۴: ۲).

ابومصعب الزرقاوی دوست بن‌لادن سازمان القاعده عراق را در سال ۲۰۰۴ شکل داد. سال ۲۰۰۶ القاعده عراق با عنوان جدید دولت اسلامی عراق اقدام به جذب نیرو برای اهداف فراملی کرد. در سال ۲۰۱۱ وارد سوریه شد. (بصیری و سالدوگر، ۱۳۹۶: ۵۵۵) البغدادی در ۹ آوریل ۲۰۱۳ طی پیامی صوتی اعلام کرد جبهه النصره به عنوان شاخه‌ای از دولت اسلامی عراق به این گروه پیوسته است. بدین ترتیب داعش متولد شد. اگرچه این اقدام البغدادی موجب عصبانیت القاعده شد، اما به دلیل سیطره به چاه‌های نفت شمال شرق سوریه خود را بی‌نیاز از القاعده دانسته و به هشدار عقب‌نشینی القاعده توجهی نکرد. مشکوک‌ترین مسئله‌ای که درخصوص ابوبکر بغدادی همچنان باقی است، اینکه وی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ زندانی نیروهای آمریکایی در عراق بود. (فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۴۴-۵۰) در سال ۲۰۱۴ داعش پس از شکست در سوریه متوجه عراق شد و به قصد نابودی دولت شیعه مالکی به تصرف این کشور پرداخت. ژانویه همان سال با بمب‌گذاری مرگبار در لبنان اعلام کرد، شاخه دیگری در لبنان در مقابل اقدامات حزب‌الله و متحدان آن وجود دارد. (UMAA, 2014:18)

ادوارد اسنودن، پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا، در مسئله ظهور داعش عنوان می‌کند: «سازمان‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، آمریکا و انگلیس نقش عمده‌ای در ظهور داعش داشته‌اند و طی عملیات «لانه زنبور» این گروه تروریستی را تشکیل دادند».(Snowden, 2014)

گروه داعش به‌رغم جدایی و قطع ارتباط با القاعده و با وجود درگیری مسلحانه با نیروهای امنیتی از یکسو و گروه‌های شورشی سوریه از سوی دیگر، نشان داد دست کم در زمینه تامین مالی، محدودیتی ندارد تا جایی که داعش به عنوان یکی از ثروتمندترین گروه‌های شبه‌نظامی دنیا شناخته شد. از جمله مهم‌ترین منابع مالی این گروه می‌توان به کمک‌های مردمی، آدم‌ربایی و اخذ باج، فروش مواد مخدر در قالب قرص‌های مواد مخدر، فروش برق از نیروگاه‌های تحت تصرف خود در شمال سوریه، فروش نفت از طریق تسلط بر پالایشگاه‌ها و چاه‌های نفتی در سوریه و عراق که از طریق کردستان عراق و ترکیه قاچاق می‌شد، حمایت مالی گسترده کشورهای عربی همچون عربستان سعودی، قطر و کویت و فروش آثار باستانی عراق و سوریه اشاره کرد. (دانشگاه امام حسین، ۱۳۹۳: ۱۸۲)

۷- رویکرد ترکیه در قبال داعش

از زمانی که داعش توانست با اقدامات تروریستی خود در سوریه و سپس عراق، توجه گسترده‌ای را در سطح بین‌المللی به خود جلب کند، بحث از ماهیت رویکرد دولت ترکیه نسبت به این گروه، همواره مبحثی بسیار جدی در محافل مختلف بوده است. درخصوص همکاری ترکیه با داعش اتهاماتی متوجه این کشور است که طیف گسترده‌ای از همکاری نظامی و انتقال اسلحه گرفته تا حمایت لجستیکی و مالی و تأمین خدمات درمانی و همچنین چشم‌پوشی از حملات داعش علیه کوبانی و شرکت نکردن در ائتلاف ضد داعش را شامل می‌شود. مسئولین ترکیه به‌ویژه رجب طیب اردوغان، هر گونه ارتباطی را میان این کشور و داعش تکذیب کرده و اعلام می‌کنند که این اظهارات در فضای دموکراتیک ترکیه بیان می‌شود. حتی احمد داوداوغلو، وزیر امور خارجه وقت ترکیه، اعلام کرد: ترکیه اولین کشوری بوده که داعش را به عنوان سازمانی تروریستی شناخته و با آن به مبارزه پرداخته است. با وجود این، دیدگاه مشترکی هم در سطح بین‌الملل و هم فضای داخلی ترکیه در این باره که ترکیه با داعش همکاری کرده است، وجود دارد. آنچه متصور است اینکه ترکیه نسبت به تحرکات داعش در داخل ترکیه از جمله عضوگیری، سازماندهی نیروهای خود، تبادلات مرزی و... نه تنها واکنش نشان نداده است، بلکه چشم‌پوشی هم کرده است. همچنین ترکیه تا قبل از تضعیف داعش در منطقه، هرگز وارد فضایی نشد که از آن زمینه تقابل با داعش استنباط شود.

در این خصوص برخی بر قرابت‌های ایدئولوژیک رجب طیب اردوغان و همفکران وی با عناصر تندرو و رادیکال تاکید دارند. تفکرات اخوانی اردوغان، تمایلات اعضای حزب عدالت و توسعه و جریان‌های نزدیک به آن و وجود رقبای مشترکی همچون بشار اسد و ایران، باعث شکل‌دهی رویکرد مشترک و در نتیجه همکاری آنها بوده است (موسوی، ۱۳۹۵: ۷) که البته جریان‌های لائیک و مخالفان حزب حاکم این ادعا را تأیید می‌کنند. به طوری که یوسف مفتی اوغلو، مشاور سابق عبدالله‌گل معتقد است: روابط ترکیه و داعش محدود به حمایت‌های لجستیکی و عبور از مرزها نبوده است، بلکه رسانه‌های دولتی به تطهیر و تقدیس مبارزان علیه بشار اسد پرداخته‌اند. همچنین سازمان‌های اسلامی غیردولتی هم از این جریان‌ها حمایت کرده‌اند. درواقع بُعد ایدئولوژیک، مذهبی و اجتماعی هم باید مورد توجه قرار گیرد. (Muftuoglu, 2016)

ترکیه در اوایل بحران به این نتیجه رسیده بود که اسد آینده‌ای ندارد و قطعاً رفتنی است. بنابراین تمام تلاش‌ها و اهداف خود را روی شورش‌ها و مخالفان متمرکز کرده و تقریباً از همه مخالفینی که با حکومت سوریه می‌جنگیدند، حمایت کرد. به اعتقاد رهبران ترکیه، بحران سوریه فرصت مناسبی برای اجرای سیاست نوعثمانیسم است. این فرصت شرایط لازم را برای رسیدن به قدرت برتر منطقه‌ای و بازیگری قدرتمند در منطقه مهیا می‌کند. با قدرت گرفتن کردهای شمال سوریه (پ.ی.د) نگرانی ترکیه از این گروه شدت یافت. از طرفی کشورهای اروپایی و ایالات متحده از

خواسته‌های ترکیه درخصوص ایجاد منطقة پرواز ممنوع، تجهیز و آموزش مخالفان میانه‌رو و سکولار سوریه حمایت نکردند. در مقابل از کردهای شمال سوریه که پاشنه آشیل ترکیه هستند، حمایت کردند. از آنجا که داعش در دو جبهه، هم با کردهای سوری و هم حکومت این کشور می‌جنگید و ارتش آزاد و جریان‌های مخالف نزدیک به ترکیه در موقعیت ضعف قرار داشتند، ترکیه گزینه‌ای به غیر از داعش برای تحقق اهداف خود در سوریه در اختیار نداشت. بنابراین، سیاست صبر و انتظار و چشم‌پوشی از اقدامات این گروه در داخل کشور را در پیش گرفت. ارزیابی اشتباه ترکیه درخصوص داعش به دلیل اقدامات تروریستی این گروه در داخل ترکیه و عدم تحقق اهداف ترکیه از طریق آن، برای ترکیه نمایان شد و ترکیه به ناچار در مقابل داعش ایستاد و تقابل ضعیفی با این گروه در شمال سوریه شکل گرفت. به نظر می‌رسد این اقدام ترکیه تاکتیکی بوده است و هدف این کشور تحت فشار قرار دادن کردهای شمال سوریه و جلوگیری از پیشروی آنها به غرب رود فرات است.

همکاری بین دولت ترکیه با داعش به طور گسترده در رسانه‌های عمومی ترکیه منتشر شده است و شمار مقالات و گزارش‌هایی که به این موضوع اشاره دارد، بسیار زیاد است. تا پیش از اشغال موصل به دست داعش، رسانه‌ها لفظ «گروه‌های جهادی، تروریست‌ها، مخالفین مسلح و...» را به طور عموم برای گروه داعش و دیگران به کار می‌بردند. همچنین برخی از شخصیت‌های سیاسی و نمایندگان احزاب مخالف در مجلس ملی از جمله حزب جمهوری خواه خلق و حزب کردی دموکراتیک خلق‌ها همواره با اعلام حمایت ترکیه از داعش، حزب حاکم را حامی اصلی این گروه عنوان می‌کردند. از جمله این شخصیت‌ها می‌توان به کمال کلیچداراوغلو رییس حزب جمهوری‌خواه خلق، نماینده استان مرزی هاتای در پارلمان ترکیه از حزب جمهوری‌خواه خلق و صلاح‌الدین دمیرتاش رئیس محبوس حزب دموکراتیک خلق‌ها عنوان کرد.

۸- عوامل مؤثر در شکل‌گیری سیاست همراهی و همکاری ترکیه با داعش

۸-۱. نگرانی‌های امنیتی حاصل از قدرت یافتن کردهای شمال سوریه

یکی از بحران‌های داخلی ترکیه، مسئله کردها به‌ویژه حزب کارگران کردستان است. در طول سیصد سال گذشته درگیری‌هایی میان اقوام ترک و کرد وجود داشته است و دارد. ترک‌ها در موارد متعددی دست به کشتار فجیع کردها زده‌اند و تا زمان تورگوت اوزال(۱۹۹۱-۱۹۸۳م)، حتی هویت آنها را نیز انکار می‌کردند و آنها را «ترک کوهی» می‌خواندند. کردها پس از مدت‌ها سرکوب و تحمل سختی‌ها، در دهه ۱۹۸۰ با ساختار جدید تحت عنوان «پ.ک.ک»، درگیری مسلحانه‌ای را علیه حاکمیت ترکیه شروع کردند. اوجالان، رهبر این جریان، با همکاری مشترک دستگاه‌های اطلاعاتی کنیا، اسرائیل، یونان و آمریکا در سال ۱۹۹۹ دستگیر شد. با وجود این، آرمان این گروه با وجود سال‌ها سرکوب هنوز پابرجاست و این امر انگیزه کردها را برای تداوم

مبارزه تشدید کرده است. بنابراین حکومت ترکیه به دنبال حذف گرایش‌های رادیکال کردها است. ترکیه برای تضعیف گروه‌های معارض کرد اقدامات مختلفی را در پیش گرفته است، اما با وجود همه اقدامات هیچ‌گاه نتوانسته است موفقیت چشمگیری در این زمینه کسب کند.
پس از شروع ناآرامی‌های سوریه، بشار اسد برای جلوگیری از شورش کردها، چند اقدام اساسی را مدنظر قرار داد؛ از جمله اعطای حقوق شهروندی و مسئولیت‌های مختلف به کردها و استفاده از ظرفیت آنها برای مدیریت مناطق کردنشین. ترکیه از این واهمه داشت که این کار اسد دامنه استقلال کردها را افزایش دهد. در صورتی که کردستان سوریه به منطقه‌ای خودمختار تبدیل شود، در کنار منطقه خودمختار عراق، می‌تواند تهدیدی جدی علیه حاکمیت سیاسی و حتی تمامیت سرزمینی ترکیه به حساب آید و همچنین پ.ک.ک به دلیل رابطه نزدیک و ایدئولوژیک با حزب کردی اتحاد دموکراتیک سوریه می‌تواند از کردستان سوریه به عنوان منطقة پشتیبانی برای فعالیت‌های ضد حکومتی خود در ترکیه استفاده کند. با تداوم بحران در سوریه، کردهای شمال این کشور به دلیل حمایت کشورهای اروپایی و آمریکا قدرتمندتر شدند. ایالات متحده به بهانة مبارزه با داعش، کردها را به سلاح‌های مختلفی تجهیز کرد، به طوری که گفته می‌شود حدود ۸۰۰ هزار کامیون و هواپیما، سلاح به کردهای شمال سوریه ارسال شده است. حتی برنامه‌ای برای آموزش کردها در نظر گرفته است، به طوری که حدود ۳۰ هزار نیرو تحت عنوان ارتش ملی سوریه تحت نظارت آمریکا آموزش خواهند دید. این اقدامات غربی‌ها و بی‌توجهی به حساسیت‌های ترکیه، این کشور را بر آن داشت تا داعش را که به‌عنوان تنها گروه مبارز قدرتمند که هم با دولت سوریه و هم با کردها می‌جنگد، همراهی کند.

۸-۲. جلوگیری از تقویت و قدرت‌نمایی دولت مقتدر مرکزی شیعی در عراق

روابط بین ترکیه و عراق پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی همواره شاهد فراز و نشیب‌های زیادی بوده است. در دوران حکومت رژیم بعث در عراق، روابط دو کشور به‌رغم وجود برخی مشکلات برای ترکیه و امنیت ملی آن کشور مثبت تلقی می‌شد؛ چرا که این رژیم با سرکوب کردها، تفکرات جدایی‌خواهی را در شمال این کشور از بین می‌برد. (اسدی، ۱۳۸۷) ترکیه بعد از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ به دست آمریکا، با استفاده از بستر اجتماعی موجود و نزدیک‌تر کردن روابط خود با کردها و اهل تسنن، نفوذ خود را در عراق گسترش داد، اما در عین حال، ترکیه همواره یکی از کشورهایی بود که تبعات سقوط صدام در عراق را قبول نکرده و با طرح ادبیات دولت فراگیر در این کشور، عملاً نشان داد که نتایج انتخابات و برتری عددی به نفع شیعیان را نپذیرفته است. به عقیده سیاست‌مداران ترکیه قرابت بیشتری بین دولت شیعی عراق و ایران وجود دارد و با توجه به شرایط کنونی، تداوم این روند در آینده وجود خواهد داشت. چنین امری، زمینه‌ساز نقش‌آفرینی دو کشور در معادلات آتی منطقه خاورمیانه خواهد شد. همچنین، روابط گسترده ایران و عراق سبب حضور گسترده ایران در بازارهای عراق و از دست رفتن فرصت‌های

اقتصادی برای ترکیه می‌شود. روابط تجاری ترکیه و عراق در دوران حاکمیت صدام گسترده بوده است و عراق یکی از بازارهای بزرگ کالاهای ترکیه به حساب می‌آمد. اما در سایه تحولات جاری، احتمال اینکه عراق از نظر اقتصادی گرایش بیشتری به ایران داشته باشد، وجود دارد. بنابراین ترکیه با تغییر مواضع خود در قبال این کشور و برخی اقدامات از جمله پناهندگی دادن به طارق الهاشمی، معاون رئیس‌جمهور عراق، و عدم استرداد وی، برگزاری کنفرانس‌های متعدد در ترکیه برای ایجاد وحدت و انسجام میان گروه‌های اهل سنت، حمایت از ائتلاف العراقیه به ریاست ایاد علاوی نماینده ائتلاف سکولارها و احزاب سنی عراق در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ ایجاد روابط اقتصادی – تجاری با اقلیم کردستان عراق بدون هماهنگی دولت مرکزی، سفر غیر قانونی برخی سران دولت ترکیه از جمله داوود‌اوغلو به شمال عراق و کمک به ایجاد ارتباط میان بعثی‌ها و داعش، در تضعیف و بی‌ثبات کردن دولت شیعی عراق سعی کرد.

۸–۳. تضعیف جایگاه ایران در منطقه غرب و جنوب غرب آسیا

با وجود گستردگی روابط ایران و ترکیه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پس از حاکمیت حزب عدالت و توسعه و افزایش حجم روابط تجاری تا مرز ۳۰ میلیارد دلار، واقعیت این است که هنوز اختلاف نظرهایی میان دو کشور در برخی مسائل منطقه‌ای و جهانی وجود دارد. در حوزه خاورمیانه سوریه و عراق از جمله این مواردند. (مسعود نیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۵۷–۱۴۷) وقوع خیزش‌های مردمی در منطقه و تحت تاثیر قرار گرفتن آنها از انقلاب اسلامی ایران، افزایش قدرت نرم ایران در منطقه و جهان را به دنبال داشته است. در مقابل ترکیه نیز براساس دکترین عمق استراتژیک، خواهان تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای و احیای نقش امپراتوری عثمانی است. با شروع اعتراضات مردمی در دو کشور مصر و سوریه، معادلات بین بازیگران منطقه‌ای به هم خورد. ترکیه سعی کرد خود را با تحولات سیاسی منطقه همراه کرده و بر آن تأثیرگذار باشد. در بحران سوریه، ترکیه در ابتدا خواستار انجام اصلاحات از سوی دمشق شد، اما پس از مدتی با همراهی اروپا و آمریکا در کنار دولت‌های عربی قرار گرفته و با حمایت از مخالفین سوریه، درصدد براندازی نظام سوریه برآمد. با این اقدام، ترکیه عملاً در پی نقش‌آفرینی در محور سنی در کنار کشورهایی چون عربستان سعودی، قطر، مصر و اردن در منطقه شد. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران با حمایت از دولت سوریه نشان داد که این رویکرد مبانی دیپلماسی خاورمیانه‌ای ایران است. بنابراین تحولات این منطقه منجر به شکل‌گیری دو محور شیعی (ایران، عراق، سوریه) و سنی (عربستان سعودی، ترکیه، لیبی، اردن و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس مثل قطر) شد. با توجه به حضور دو کشور سوریه و عراق در محور شیعی و نفوذ رو به رشد ایران در عراق و نزدیکی بیش از پیش نظام سوریه با ایران پس از شروع تحولات این کشور، ترکیه در

راستای تضعیف محور شیعی به خصوص ایران، به دنبال آن است تا کشورهای همسو با سیاست-های این کشور در خاورمیانه شکل بگیرند. از این‌رو سوریه و عراق به عنوان دو کشور همسو با جمهوری اسلامی ایران در اولویت سیاست خارجی ترکیه قرار می‌گیرند.

ترکیه با هدف دستیابی به هژمونی منطقه‌ای، دسترسی به منابع انرژی منطقه جنوب غرب آسیا و تصاحب بازارهای این منطقه، سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود را آغاز کرد. همچنین ترکیه از طریق دیپلماسی عمومی و نفوذ در میان افکار عمومی منطقه، به دنبال برهم زدن نظم موجود در منطقه و ایجاد نظم مطلوب خود که در آن ترکیه به عنوان قدرت هژمون ایفای نقش نماید، بوده است. اقدامات ترکیه در سوریه و عراق و نقش‌آفرینی این کشور در مناطق تحت نفوذ ایران، واکنش شدید ایران را که همواره خواستار حفظ وضع موجود است در پی داشته است. ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای از آنجا که توانایی رویارویی با اقدامات ترکیه را داراست، وارد بحران سوریه شد. ایران به دنبال آن است تا از نفوذ ترکیه در مناطق تحت کنترل خود جلوگیری کند. (مصطفوی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۲)

۸-۴. خروج از انزوای جغرافیایی

کشور ترکیه با همسایگان خود دچار شکاف ساختاری و مناسبات غیر حسنه از منظر تاریخی است. به عبارتی زیرساخت جغرافیایی و تاریخی ترکیه برای توسعه مناسبات آن با همسایگان چندان رضایت‌بخش نیست. از شمال به روسیه مشکوک است. در غرب تنش‌هایی با یونان دارد. در قسمت شرقی خود ایران را به عنوان رقیب ژئوپلیتیکی خود می‌بیند. در نوار جنوبی با فرهنگ عربی روبه‌رو است که مباحث تاریخی و تفاوت‌های قومی مانع از گسترش روابط مستمر بین آنها می‌شود. با توجه به چنین وضعیتی ترکیه نسبت همسایگان خود امیدواری ندارد و خود را در نوعی انزوا می‌بیند که تهدیدی برای امنیت ملی و موجودیت آن کشور است. در این راستا ترکیه راه برون‌رفت از انزوای ژئوپلیتیکی را یافتن شرکا و هم‌پیمانان استراتژیک می‌بیند. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۵)

ترکیه در ابتدا با شروع ناآرامی‌ها در سوریه بر این باور بود که این تحولات، همچون حوادث تونس، مصر و لیبی به تغییر رژیم در این کشور منجر خواهد شد. بنابراین شرایط موجود را به عنوان فرصتی برای از بین بردن تنگنای جغرافیایی و انزوای ژئوپلیتیکی خود می‌دید. مقامات ترکیه گمان می‌کردند با اعمال فشار بر حکومت سوریه می‌توانند رژیم سوریه را ساقط کرده و به جای آن، رژیمی همگرا با اهداف خود روی کار آورند. ازاین‌رو ترکیه همواره هم‌پیمانان خود را، از جمله آمریکا و ناتو، به مداخله نظامی علیه دولت سوریه تشویق می‌کرد، اما با مخالفت آنها و همراهی نکردن با خواسته‌های ترکیه، مقامات ترکیه برای رسیدن به اهداف خود، به حمایت از گروه‌های مخالف سوریه پرداختند. ترکیه بحران سوریه را کلید تحقق الگوی نوعثمانی در منطقه

غرب و جنوب غرب آسیا می‌دید، بنابراین تلاش کرد تا با تمام توان نسبت به سقوط رژیم حاکم در سوریه اقدام کند.
مهم‌ترین ویژگی استراتژی نوعثمانی‌گری ترکیه، نگاه به خاورمیانه و نفوذ و تأثیرگذاری بر آن است و این راهبرد با تحولات و اعتراضات مردمی منطقه مقارن شده و در سوریه هم اقدامات اخیر، امکان ورود به خاورمیانه عربی و تاثیرگذاری بر آن را به وجود آورده است. در حال حاضر تنها گزینه‌ای که ترکیه به آن امید بسته است، سوریه است تا با ایجاد تغییرات در این کشور، موقعیت خود را در منطقه خاورمیانه بهبود بخشد. به بیان دیگر می‌توان گفت مهم‌ترین هدف ترکیه از ورود به اتفاقات اخیر، رهایی از تنگنای شدید جغرافیایی است. (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۳: ۱۲۸) درواقع سوریه تنها مسیری بود که ترکیه به آن امیدار بود تا با تغییر نظام در این کشور به اهداف خود در منطقه دست یابد؛ چرا که به گفته اردوغان، رئیس جمهور این کشور، سوریه به عنوان دروازه‌ای، راه ورود ترکیه به خاورمیانه عربی را هموار می‌سازد.

۹- نتیجه‌گیری

رویکرد واقع‌گرایی به طور اساسی بر امنیت و منافع ملی تأکید دارد. کسب قدرت، حفظ قدرت و استفاده از قدرت هسته مرکزی فعالیت سیاسی را تشکیل می‌دهد. طبق این دیدگاه دولت‌ها در روابط خود به دنبال افزایش قدرت و برتری در نظام آنارشی هستند. در چنین نظامی منافع ملی و امنیت، رابطه مستقیم با قدرت دولت‌ها دارد و بدون آن بقا و موجودیت دولت با چالش اساسی مواجه خواهد شد. بر این اساس با شروع بحران سوریه، دولت ترکیه در راستای تامین منافع ملی و افزایش قدرت منطقه‌ای خود به ایفای نقش در این بحران پرداخت.
با شروع تحرکات در سوریه، موضع ترکیه به موضوعی پیچیده و متغیر تبدیل شده است. ترکیه این تحولات را فرصت مناسبی برای افزایش قدرت منطقه‌ای خود و تسلط بر منطقه می‌دید، تا با استفاده از موقعیت منحصربه‌فرد و اهمیت استراتژیکی خود، نقش فعال‌تری در معادلات منطقه غرب و جنوب‌غرب آسیا داشته باشد. ترکیه با ارزیابی اشتباه خود مبنی بر سقوط قریب‌الوقوع اسد، تمام تلاش‌ها و اهداف خود را روی شورش‌ها و مخالفان متمرکز کرد. این کشور از طریق بحران سوریه تلاش کرد قدرت و عظمت امپراتوری عثمانی را بازیابد. به اعتقاد رهبران ترکیه بحران سوریه فرصت مناسبی برای اجرای چنین سیاستی بود. این فرصت شرایط لازم را برای رسیدن به قدرت برتر منطقه‌ای و بازیگری قدرتمند در منطقه مهیا می‌کرد. بنابراین سوریه دروازه ورود ترکیه به خاورمیانه عربی در نظر گرفته شد.
قدرت گرفتن کردهای شمال سوریه موسوم به «پ.ی.د» (حزب اتحاد دموکراتیک سوریه) که ترکیه آن را شعبه سوری پ.ک.ک می‌خواند، از سویی مانعی در اجرای سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه به شمار می‌رفت و از سوی دیگر تهدیدی جدی برای امنیت ملی و تمامیت ارضی ترکیه

محسوب می‌شود. کردهای شمال سوریه تحت حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای توانستند حاکمیت بخش قابل توجهی از مناطق شمالی این کشور را در اختیار بگیرند. در چنین شرایطی ترکیه نیروی طرفدار قابل اتکایی که بتواند با آن مقابله کند در سوریه نداشت؛ بنابراین تنها گزینه موجود که هم با کردها و هم با حاکمیت سوریه درگیر بود، داعش بود. البته ترکیه در راستای تحقق اهداف خود، برخی اقداماتی را که مانع هژمونی این کشور در منطقه محسوب می‌شد، در دستور کار خود قرار داد. از جمله می‌توان به تلاش برای کاهش نقش جمهوری اسلامی ایران در تحولات منطقه، بی‌ثبات کردن دولت شیعی عراق، تغییر رژیم در سوریه؛ شکل‌دهی دولت‌های همسو با اهداف این کشور در منطقه اشاره کرد. به هرحال رویکرد تساهل، تسامح و اغماض در قبال اقدامات داعش، حرکتی تاکتیکی و رویکردی مقطعی بود که سیاست‌مداران ترکیه به مرحله اجرا درآوردند.

کتابنامه

۱- اخباری، محمد (۱۳۸۳). ***جغرافیای کشورهای همجوار: ترکیه***. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

۲- آزاده، سجاد (۱۳۹۲). «بازی بزرگ در سوریه: دومینوی بهار عربی یا قربانی بازگشت موزانه قدرت به نظام منطقه‌ای؟». ***فصلنامه مطالعات خاورمیانه***. سال بیستم. شماره اول.

۳- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۷). ***عراق پس از صدام و بازیگران منطقه‌ای***. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. مجمع تشخیص مصلحت نظام. شماره ۱۲.

۴- اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۲). ***سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در ترکیه***. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۵- اطهری، سید اسدالله و تقی‌پور، سحر (۱۳۹۰). ***مروری بر روابط ترکیه - سوریه در دوران حکومت بشار اسد***. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۶- امیدی، علی و رضایی، فاطمه (۱۳۹۰). «عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه». ***فصلنامه روابط خارجی***. سال سوم.

۷- امیری، مهدی (۱۳۹۰). ***سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه: غلبه غرب‌گرایی بر اسلام‌گرایی***. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۸- ببری، نیکنام (۱۳۹۳). «سیاست خارجی ترکیه و بیداری اسلامی، مطالعه موردی: تحولات مصر و تونس». ***جستارهای سیاسی معاصر***. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال پنجم. شماره اول.

۹- بصیری، محمدعلی و سالدوگر، الهه (۱۳۹۶). «بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش». ***فصلنامه سیاست***، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران. دوره ۴۷. شماره ۳.
۱۰-**چگینی‌زاده، غلامعلی و خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۸۹). «تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه». *فصلنامه راهبرد*. سال نوزدهم. شماره ۵۵.**
۱۱-حاجی‌یوسفی، محمد (۱۳۷۸). «مفهوم‌سازی‌های مختلف دولت در نظریه روابط بین‌الملل با تاکید بر دیدگاه رابرت کاکس». ***فصلنامه سیاسی اقتصادی***. شماره ۱۴۶-۱۴۵.
۱۲-حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). ***اصول و مفاهیم ژئوپلتیک***. چاپ سوم. مشهد: انتشارات پاپلی.
۱۳-حافظیان، محمدحسین (۱۳۹۰). ***موضع ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه: سازگاری‌ها و تناقض‌ها***. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۴-حسینی، سیده مطهره و همکاران (۱۳۹۱) «نگاه به غرب در سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۲ -۲۰۰۲)». ***فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات جهان اسلام***. صص ۹۶-۷۳
۱۵- حیدری، محمدعلی و رهنورد، حمید (۱۳۹۰). «نوعثمانی‌گرایی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترکیه (با تکیه بر تحولات بهار عربی)». ***فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری***. سال دوم. شماره ۲.
۱۶-دانشگاه امام حسین، مرکز امامت (۱۳۹۳). ***ردپای پیدا و پنهان داعش***. چاپ اول. تهران: انتشارات مرکز امامت.
۱۷-دانش‌نیا، فرهاد و هاشمی، مسعود (۱۳۹۴). «تحولات سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه و تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن (۲۰۱۴-۲۰۰۲)». ***فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی***. سال ششم. شماره ۳۹.
۱۸-دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت خارجه (۱۳۸۸). ***جمهوری ترکیه***. چاپ دوم. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
۱۹-رنجبر مهدی، مصطفی (۱۳۹۵). «سیاست خارجی ترکیه در تحولات بیداری اسلامی بر مبنای نظریه واقع‌گرایی». ***فصلنامه حبل المتین***. سال پنجم. شماره شانزده.
۲۰-فیروزآبادی، حسن (۱۳۹۳). **تکفیری‌های داعش را بشناسیم**. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۱-قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۵). «استراتژی ترکیه در قبال داعش». ***فصلنامه مطالعات راهبردی***. سال نوزدهم. شماره سوم. شماره مسلسل۷.

۲۲-کاکایی، سیامک (۱۳۸۴). «نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد». ***فصلنامه خاورمیانه***. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۲۳-کریمی، سحر (۱۳۹۴). «نحوه و چگونگی پیدایش و شک گیری گروه‌های تروریستی (بررسی موردی دولت اسلامی عراق و شام)». ***ماهنامه پژوهش ملل***. دوره اول. شماره دوم.
۲۴- **محمدزاده ابراهیمی، فرزاد و همکاران (۱۳۹۶). «دونالد ترامپ و میراث سیاست واقع-گرایانه اوباما در خاورمیانه». *فصلنامه سیاست جهانی*. دوره ششم. شماره دوم.**
۲۵-مسعودنیا، حسین و نجفی، داوود (۱۳۹۰). «سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران». ***فصلنامه افاق امنیت***. سال سیزدهم. شماره۴. زمستان. صص ۱۵۷-۱۴۷.
۲۶-مسعودنیا، حسین و همکاران (۱۳۹۱). «ترکیه و بحران سوریه از میانجی‌گری تا حمایت از مخالفان دولت». ***فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام***. سال اول. شماره ۴: ۸۸-۱۰۴.
۲۷-مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲). ***تحول در نظریه‌های روابط بین الملل***. تهران: سمت.
۲۸-مصطفوی، غلامعلی (۱۳۹۶). ***تبیین الگوی روابط ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا کنون***. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران. دانشکده جغرافیا.
۲۹-موسوی، سید مسعود (۱۳۹۵). ***بررسی و تحلیل مواضع و عملکرد ترکیه در قبال در داعش«داعش حقیقی و حقیقت داعش»***. به اهتمام دکتر محمدحسن حبیبیان. تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی.
۳۰-**نورالدین، محمد (۱۳۸۲). ترکیه جمهوری سرگردان. ترجمه صغری روستایی. تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.**
۳۱-واعظی، محمود (۱۳۸۷). «روابط ترکیه و سوریه: از تعارض تا تعامل». ***مجله پژوهشنامه سیاست خارجی***. شماره ۱۹.
۳۲-یزدان‌پناه، محمد (۱۳۹۲). ***بازخوانی بحران سوریه تا کنون و دلایل تغییر مواضع ترکیه در قبال سوریه***. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. مجمع تشخیص مصلحت نظام.

References

1- Akhbari, Mohammad (2004). "***Geography of neighboring countries*: Turkey**". Tehran: Armed Forces Geographical Organization Publications. (in Persian)
2- Alpaslan, İdil Bilgiç, (2012). "Suriye Krizi Türkiye Ekonomisini Nasıl Etkile?", ***Türkiye Ekonomi Politikaları Araştırma Vakfı (tepav)***. (in Turkish)
3- Amiri, Mehdi (2011). "***Turkey's Foreign Policy on Middle East Developments: The Dominance of Westernism over Islamism***". Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (in Persian)

4- Asadi, Ali Akbar (2008). "***Iraq after Saddam And Regional Actors***". The Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East. Expediency Discernment Council. No. 12. (in Persian)
5- Athari, Seyed Asadullah and Taghipour, Sahar (2011). "***A review of Turkish-Syrian relations during the rule of Bashar al-Assad***". Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East. Expediency Discernment Council. (in Persian)
6- Athari, Seyed Assadollah (2013). "***Foreign policy of the Justice and Development Party in Turkey***". Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East. Expediency Discernment Council. (in Persian)
7- Azadeh, Sajjad (2013). "The Big Game in Syria: The Arab Spring Domino or The Victim of Power Return to The Regional System?" ***Quarterly Journal of Middle Eastern Studies***. Year 20. No. 1. (in Persian)
8- Basiri, Mohammad Ali and Saldogar, Elahe (2017). "Investigation of The Causes and Factors of ISIS Formation". ***Quarterly Journal of Politics***, Journal of the Faculty of Law and Political Sciences. University of Tehran. Volume 47. No. 3. (in Persian)
9- Cheginizadeh, Gholam Ali and Khosh Andam, Behzad (2010). "Interaction and Confrontation of Peripheralism and Westernism in Turkish Foreign Policy". ***Quarterly of Rahbord***. Year 19. No. 55. (in Persian)
10- Daneshnia, Farhad and Hashemi, Massoud (2015). "Developments in Turkey's Foreign Policy towards Syria and Explaining Its Influential Components (2002-2004)". ***Quarterly Journal of Political and International Approaches***. Year 6. No. 39. (in Persian)
11- Firoozabadi, Hassan (2014). "***Get to know the Takfiris of ISIS***". 2nd Edition. Tehran: Publications of the National Defense University. (in Persian)
12- Ghasemi, Mohammad Ali (2016). "Turkey's Strategy against ISIS". ***Quarterly Journal of Strategic Studies***. Year 19. No. 3. Serial number 7. (in Persian)
13- Gücan, Metin, (2016). "Türkiye, Işid için taşıyıcı anne rolüne sokulabilir", *https://tr.sputniknews.com/*
14- Hafezian, Mohammad Hossein (2011). "***Turkey's Position on Developments in The Middle East: Adaptations and Contradictions***". Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East. Expediency Discernment Council. (in Persian)
15- Hafeznia, Mohammad Reza (2011). "***Geopolitical Principles and Concepts***". Third edition. Mashhad: Papeli Publications. (in Persian)
16- Haji Yousefi, Mohammad (1999). "Different Conceptualization of Government in The Theory of International Relations with Emphasis on Robert Cox's View." ***Political-Economic Quarterly***. Nos. 146-145. (in Persian)
17- Heidari, Mohammad Ali and Rahnavard, Hamid (2011). "Neo-Ottomanism and Middle Eastern Foreign Policy of Turkey (With an Emphasis on The Developments of The Arab Spring)". ***Quarterly Journal of Policy Guide***. Year 2. No. 2.

18- Hosseini, Seyyedeh Motahara *et al*. (2012) "Looking to the West in Turkey's Foreign Policy during the Justice and Development Party (2002-2012)". ***Journal of Islamic World Studies***. pp. 73-96. (in Persian)
19- Imam Hossein University, Imamate Center (2014). "***ISIS's Overt and Covert Footprints***". 1st Edition. Tehran: Imamat Center Publications. (in Persian)
20- Kakayi, Siamak (2005). "Turkey's role in the Middle East after the Cold War". ***Middle East Quarterly.*** Computer Research Center of Islamic Sciences. (in Persian)
21- Karimi, Sahar (2015). "How Were Terrorist Groups Originated and Formed (case study of the Islamic State of Iraq and Syria, ISIS)". ***Monthly Nations Research***, Vol. 6, No. 2. (in Persian)
22- Massoudnia, Hossein and Najafi, Davood (2011). "Turkey's New Foreign Policy and Security Threats to the Islamic Republic of Iran". ***Quarterly Journal Horizons of Security***. Year 13. No. 4. Winter. pp. 147-157. (in Persian)
23- Massoudnia, Hossein *et al*. (2012). "Turkey and the Syrian Crisis from Mediation to Support of the Opposition." ***Quarterly Journal of Political Studies in the Islamic World***. Year 1. No. 4. pp. 88-104. (in Persian)
Mohammadzadeh Ebrahimi, Farzad *et al*. (2017). "Donald Trump and the Legacy of Obama's Realistic Politics in the Middle East." ***World Politics Quarterly***. Vol. 6, No. 2. (in Persian)
24- Mostafavi, Gholam Ali (2017). "***Explaining the Pattern of Geopolitical Relations between Iran and Turkey since 2002***". Master's Dissertation. Tehran: University of Tehran. Faculty of Geography. (in Persian)
25- Mousavi, Seyed Massoud (2016). "***Examining And Analyzing Turkey's Positions And Actions Towards ISIS*** " The Real ISIS And The Truth Of ISIS." By Dr. Mohammad Hassan Habibian. Tehran: Farabi Applied Studies Research Institute. (in Persian)
26- Muftuoglu, Yusuf. (2016), "How the 'Normalization' of Salafi Extremism Has Come Back to Haunt Turkey", ***http://www.huffingtonpost.com/***
27- Mushirzadeh, Homeira (2013). "***Evolution in Theories of International Relations***". Tehran: Samt. (in Persian)
28- Nooruddin, Mohammad (2003). "***Turkey, Wandering Republic***". Translated by Soghra Rustayi. Tehran: Andishe Sazan Noor Studies Institute. (in Persian)
29- Office of Political and International Studies in Ministry of Foreign Affairs (2009). "***Republic of Turkey***". 2nd edition. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Printing and Publishing Center. (in Persian)
30- Omidi, Ali and Rezaei, Fatemeh (2011). "New Ottomanism in Turkish Foreign Policy: Its Indicators and Consequences in the Middle East." ***Foreign Relations Quarterly***. Year 3. (in Persian)
31- Ranjbar Mahdi, Mostafa (2016). "Turkey's Foreign Policy in the Developments of the Islamic Awakening Based on the Theory of Realism." ***Hablol-Matin Quarterly***. Year 5. No. 16. (in Persian)
32- Schenker, D. (2011), "Syria and Turkey. Walking Arm in Arm down the Same Road?", ***http://www.brandeis.edu.***

33- Snowden, Edward. (2014), "Edward Snowden leaked NSA documents show U.S., Israel created Islamic State", ***http://www.politifact.com/***
34- Tiger, Niknam (2014). "Turkey's Foreign Policy and Islamic Awakening, Case Study: Developments in Egypt and Tunisia." ***Contemporary Political Queries***. Institute of Humanities and Cultural Studies. Year 5. No. 1. (in Persian)
35- UMAA: The Universal Muslim Association of America. (2014), "The Crisis in Iraq An Analysis of the Islamic State of Iraq and Levant" (ISIL) with U.S. Polic Recommendations in Iraq, ***http://www.umaameric.net.***
36- Vaezi, Mahmoud (2008). "Turkey-Syria Relations: From Conflict to Interaction". ***Journal of Foreign Policy Research***. No. 19. (in Persian)
37- Yazdanpanah, Mohammad (2013). "***Reviewing the Syrian Crisis so far and the Reasons for Turkey's Change of Attitude towards Syria***". Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East. Expediency Discernment Council. (in Persian)